

یادداشت

بیراهه‌های سقوط



محسن شورگستی
کارشناس هوانوردی

● بسیاری از ما با استدلال برخی از دوستان و نزدیکان، برای سفر نکردن با هواپیمای مواجه شده‌ایم که می‌گویند شما اگر با خودرو، قطار و حتی کشتی سفر کنید، در صورت وقوع اتفاقی ناگوار، به زمین و وسیله‌ای برای نجات دسترسی دارید؛ اما اگر در هواپیمای اتفاقی رخ دهد، در آسمان هیچ دستاویزی نخواهی داشت، یکی از ریشه‌های چنین نگاهی را می‌توان در وضعیت صنعت حمل‌ونقل هوایی در چند دهه اخیر جست‌وجو کرد. صنعت حمل‌ونقل هوایی جهان با چاب‌جایی بیش از ۳،۵ میلیارد مسافر و بیش از ۵۰ میلیون تن بار در سال، به‌عنوان ایمن‌ترین روش حمل‌ونقل شناخته می‌شود که متأسفانه این امر در کشور ما به‌گونه‌ای است که از بیراهه‌رفتن آن در گذشته حکایت دارد.

بیراهه‌رفتن در صنعت حمل‌ونقل هوایی، آن را به خطرناک‌ترین روش حمل‌ونقل در ذهن مردم تبدیل می‌کند. بیراهه‌رفتن در صنعت هواپیمایی، کشور را به جایی می‌رساند که برداشت چندین برابر مبلغ یک فروند هواپیمای نو، باز هم نتوان هواپیمای نو خریداری کرد و به ناچار به ناوگان فرسوده روی آورد. بیراهه‌رفتن منجر می‌شود که یکی از قدیمی‌ترین و موفق‌ترین شرکت‌های هواپیمایی منطقه در سالیان دور و بزرگ‌ترین شرکت هواپیمایی کشور، به وضعیتی اسفناک از نظر اقتصادی برسد که عرضه سهام آن در بازار بدون متقاضی و با شکست مواجه شود. بیراهه‌رفتن موجب کمبود هواپیما و تجهیزات و در نتیجه تشویع حقوق مادی و معنوی مردم با ایجاد تأخیرها و سردرگمی‌های فرودگاهی می‌شود. بیراهه‌رفتن، متخصصان صنعت حمل‌ونقل را با هدررفت وقت، انرژی و آسیب‌های جسمی و روانی بیشتری درگیر می‌کند؛ مهندسان توانمند تعمیر و نگهداری که با وجود کمبود قطعات، باید براساس اسناد استاندارد، هواپیماها و تجهیزات فرودگاهی را عملیاتی نگه دارند. خلبانان ماهری که به علت وضعیت ناوگان، بیش از حد معیول با نقص فنی و وضعیت اضطراری مواجه می‌شوند، میهمانداران زحمتکشی که باید فشارهای ناشی از تأخیرها، بی‌برنامگی‌ها و کمبودها را بر فشارهای کاری خود بیفزایند. کنترلرهای فداکار ترافیک هوایی که در نبود تجهیزات نظارتی و ارتباطی مناسب، با قطع تماس با هواپیماها ی خطاهای نمایشی در صفحه رادار، استرسی جان‌فرسا و سنگین را علاوه بر استرس حل گره‌های ترافیکی تحمل کنند. بیراهه‌رفتن همه اینها را در کنار مدیریت غیرعلمی، جایگاه‌های شغلی غیراستاندارد و آموزش‌های محدود و ناکافی به همراه دارد. از این‌روست که بیراهه‌رفتن در هر زمانی نتیجه‌اش سقوط خواهد بود و عزای ملی.

در مقابل این وقایع تلخ، «راه‌ی هم وجود دارد که پیمودن آن می‌تواند صنعت هواپیمایی کشور را به جایگاه ویژه‌ای که شایسته مردم ایران است برساند؛ در «راه‌رفت»، موجب نوسازی ناوگان هوایی و رفع کمبود تجهیزات در بخش‌های مختلف و در نتیجه احقاق حقوق مردم خواهد شد. در راه‌رفتن، موقعیت جغرافیایی ایران را با مهارت متخصصان به هم می‌آمیزد و با ارائه خدمات فنی- مهندسی و فرودگاهی به پروازها، ضمن ایجاد اشتغال، منافع اقتصادی کلانی را برای کشور به ارمغان می‌آورد. در راه‌رفتن، به تاجران و بازرگانان ایرانی اجازه می‌دهد تا کالاها و محصولات ایرانی را با سرعت و اطمینان به مقاصد مختلف صادر کنند. مسافران و گردشگران از تهران- نه از کشورهای منطقه- با هواپیمای ایرانی و به میزبانی فرهنگ و سنن زیبای ایرانی، رفت‌وآمد کنند.

بالاخره پس از سال‌ها، دولت یازدهم با خرید هواپیماهای جدید، اولین گام مهم و بنیادی را با موفقیت در این «راه» برداشت و امید به اصلاح را به قسمت‌های مختلف صنعت هواپیمایی بازگرداند. گام بعدی، بهسازی ساختار مسیریهای هوایی بود که بخش‌هایی از آن در قالب مدیریت آسمان ایران شهر اجرایی شده است. هنوز گام‌های زیادی باید برداشته شود تا حضور در این راه تثبیت شود. جمعه این هفته فرصت انتخاب این «راه» است؛ فرصتی که با حضور حداکتری پای صندوق‌های رای، انتخابی حیاتی را برای صنعت و مردم به‌عنوان بهره‌برداران آن، رقم خواهد زد. مواردی مانند اصلاح مدیریت‌های غیرعلمی و روندهای توسعه سئیز به‌ویژه در بخش‌های دولتی، بازتعریف جایگاه نیروی انسانی متخصص به‌عنوان مهم‌ترین عامل توسعه در صنعت، اهتمام به تغییرات بنیادین در چگونگی ارتباط متقابل صنعت با مردم، احیای جایگاه سازمان هواپیمایی کشوری به‌عنوان ناظر بر رعایت استانداردها، رفع موانع توسعه هوانوردی عمومی، نهایی‌سازی و اجرای پروژه بازطراحی ساختار فضای کشور و تهیه تجهیزات مرتبط و مدیریت جدید فرودگاه‌ها براساس تجارب موفق جهانی در راستای افزایش ظرفیت و کیفیت خدمات، گام‌هایی است که با مطالبه‌گری از سوی فعالان صنعت هوانوردی، می‌تواند مرکز توجه دولتمردان واقع شود.

ادامه از صفحه ۵

در این ارتباط مخصوصا استان‌های مرزی می‌توانند بر تجارت خارجی خیلی اثرگذار باشند. درحال‌حاضر به‌عنوان مثال با پاکستان کمیسیون‌های مشترکی داریم، اما حتی یک نفر از مقامات محلی در این کمیسیون‌ها حاضر نیست. به طور قطع و یقین اگر قرار باشد در پاکستان فعالیت تجاری داشته باشیم، هیچ‌کسی به اندازه مقامات محلی استان سیستان‌وبلوچستان نمی‌توانند به واقعیت‌های ارتباط ما با کشور پاکستان نگاه تأثیرگذار داشته باشند و دیدگاه‌های آنها حتما می‌تواند آینده بهتری را برای ما ایجاد کند. در این مورد هم مرکز برای مناطق مختلف ایران تصمیم می‌گیرد. اگر استان‌ها اختیارات کافی داشته باشند و بتوانند خودشان برنامه‌های توسعه‌ای منطقه را تدوین کنند، یقینا نگاه سرمایه‌گذاری مشترک در مرزها برای هر دو کشور یک ایده بسیار مهم تلقی می‌شود. هم امنیت مرزها تأمین می‌شود و هم قیمت تمام‌شده کالای مبادله‌شده بین دو کشور بسیار کاهش می‌یابد؛ چراکه دیگر هزینه‌های حمل‌ونقل آنچنانی وجود ندارد.

۴ در تجارت خارجی و قبل از تحریم، شرکای خارجی برتوانی در کشور حضور داشتند. تحریم‌ها بر این مسئله چه تأثیری گذاشت؟

بخش درخور توجهی از همکاری‌های خارجی‌مان را در تحریم‌ها از دست دادیم و این بر اقتصاد کشور ما کاملا تأثیر گذاشت. ضمن اینکه در این میان یک اتفاق دیگر هم رخ داد که کمتر به آن توجه شد. بعد از اینکه تحریم شدیم، تکنولوژی ما هم دچار قطع ارتباط با دنیا شد و این‌گونه ما در بخش تولید دچار شکاف تکنولوژیکی شدیم. به همین واسطه، سطح تولیدات کشور نتوانست تحریم‌ها را تحمل کند. پیروی کرد، ولی تولید ما از تولید جهانی پیروی نکرد و یک عقب‌ماندگی تکنولوژیک در برخی صنایع ما ایجاد شد. این قضیه منجر شد که قیمت و کیفیت کالای ما با کالاهای روز جهانی نتواند رقابت کند. این مسئله در تجارت خارجی بسیار مؤثر بود. این نتیجه تحریم‌ها بود.

۴ برای داشتن تجارت خارجی، عده‌ای تحریم‌ها را دور می‌زنند. نتیجه کار را چگونه می‌بینید؟

بله، در زمان تحریم بسیاری از فعالانی که با آنها کار می‌کردیم، اقدام به دورزدن تحریم کردند، اما این کار برای کشور بسیار گران تمام شد. این تحریم منجر به گرانی شد که بر دوش مردمان قرار گرفت. این مسئله منجر به این شد که کالاهای داخلی ما قیمت تمام‌شده بالایی پیدا کند و سطح درآمد مردم هم با مشکل مواجه شود. در نهایت سطح طبقات متوسط به پایین به طرف خرید کالاهای بنجل چینی رفت. بنابراین در آن دوران، هم واردات زیاد شد و هم قاچاق. تحریم برای کشور نایچی را دربر داشت که بر اقتصاد کشور تأثیر منفی گذاشت. البته در زمینه‌هایی هم اجبار ما را به سمتی کشاند که نتیجه مثبت به همراه داشت. در جاهایی نیز واحدهایی را داشتیم که به سمت تولید و جایگزین‌کردن این تولیدات به جای واردات رفتند. برخی موفق شدند. این رخداد مثبتی بود، اما مجموعا تحریم منجر به ایجاد مشکلاتی برای کشور شد. البته این را هم باید عرض کنم اینکه کار کنیم صدرصد مشکلات به خاطر تحریم‌ها بود، اشتباه است. ولی اینکه تحریم‌ها اثرات بسیار مخربی بر اقتصاد و تجارت خارجی کشور داشته، درست است.

۴ از قطع ارتباط تکنولوژیک ایران با کشورهای دنیا در زمان تحریم‌ها گفتید. در دولت یازدهم شاهد حرکت به سوی رفع تحریم‌ها و در نهایت برجام بودیم. آیا برجام توانست این قطع ارتباط‌ها را پایان دهد؟

برجام را از نگاه اقتصادی صرف و فارغ از نگاه‌های دیگر بررسی می‌کنم. یکی از اثرات درخور توجه و مثبت برجام این بود که دیدگاه جهانی را نسبت به ما تغییر داد. همه مشکلات با دعوا قابل حل نیست. نتایج خاصی از برجام منعکس شد؛ اینکه این‌اهل گفت‌وگو و تعامل و صلح است و ایران مایل است با گفت‌وگو و مذاکره مشکلاتش را حل کند. این روند تأثیر بسیار بالایی در افکار جامعه داشت و در نهایت منجر به یک تغییر کلی در جامعه شد. ما تغییر نگاه به ایران را حین برجام احساس می‌کنیم. درباره مسائل اقتصادی هم واقعا همان‌طور که تحریم اثرگذار بود، برجام نیز بر اقتصاد کشور تأثیر داشت. ولی مسئله برجام به نحوی مطرح شد که توقعات همه را نسبت به برجام بالاتر از واقعیت‌ها برد و همه دنبال این بودند که حین برجام، فردا همه چیز گلستان می‌شود. البته کسی به قصد خاصی این مسئله را ایجاد نمی‌کرد. این فشارهایی که حین تحریم‌ها بر کشور حاکم شده، فکر می‌کردند ضمن بازشدن بند تحریم‌ها، همه چیز حل می‌شود. خودبه‌خود این توقع ایجاد شد که این میزان توقع از برجام منطقی نبود. اما بعد از اینکه برجام امضا شد، توانست بر رفع تأثیرات تحریم‌ها اثرگذار شود.

۴ در این‌باره امکان دارد به مورد یا مواردی اشاره کنید که برجام تأثیرگذار بوده؟

بله. به‌عنوان مثال از سال ۹۴ تا اسما، از ۱۱۴ کشور پذیرای هیئت‌های اقتصادی بوده‌ایم و ۱۵۷ هیئت اقتصادی برای مذاکرات اقتصادی وارد کشور شده‌اند. این رقم، رقم بسیار بالایی است. از سوی دیگر از همان سال ۹۴ تا امروز حدوداً ۸۰۰ شرکت را به سایر کشورها اعزام کرده‌ایم. بسیاری این پرسش را مطرح می‌کنند که نتایج حضور این هیئت‌ها چگونه بود. مشخصا این کشورها برای مدتی از اقتصاد ایران فاصله داشته‌اند و بعد از برجام با یک ولع به دنبال این‌س بودند که به این اقتصاد بزرگ دست یابند. هیچ‌وقت توقعی نیست که در اولین مذاکره به نتیجه برسیم؛ آن‌هم بعد از این دوره طولانی. مشخصا رایزنی‌های طولانی اولیه در چنین اوضاعی طبیعی است؛ اما آنچه ما با آن روبه‌رو بوده‌ایم، این بوده که در پی همین تبادل هیئت‌ها، نتایج عملی هم عایدمان شده است. با اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ رقمی

اقتصاد

داشتیم «عضو ناظر» می‌شدیم



معادل ۱۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار مبادلات تجاری داشته‌ایم. این رقم نسبت به سال ۲۰۱۵ به میزان ۷۸ درصد رشد نشان می‌دهد. صادرات ایران به کل اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵ یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار بوده که در سال ۲۰۱۶ به پنج میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار افزایش داشته و این یعنی ۲۵۰ درصد رشد. این رشد حاصل همین رفت‌وآمدها و گفت‌وگوهای بعد از برجام است. علاوه‌برآن بسیاری از کسانی که با اشتیاق به سمت ایران آمدند، با دو هدف آمدند. یکی اینکه بازار ایران برای آنها بزرگ و جذاب است و دیگر اینکه از طریق ایران به بازار اقتصاد منطقه دست پیدا می‌کنند. این مسئله برای آنها کاملا مشخص بود که امن‌ترین و راحت‌ترین راه برای رسیدن به کشورهای آسیای مرکزی، افغانستان و قفقاز ایران است؛ یعنی این کشورها می‌خواهند با کمک ایران به بازار ۴۰۰ میلیون‌نفری اطراف نیز دسترسی پیدا کنند و بسیاری از این هیئت‌های اقتصادی که در ایران حضور پیدا کردند، به نتایج مثبت این مذاکرات نیز دست یافتند؛ بنابراین بازار ایران برای آنها بسیار مهم و استراتژیک محسوب می‌شود. به‌علاوه این کشورها درباره ایران یک آینده دوری را پیش‌بینی می‌کنند. براساس برآوردهای صورت‌گرفته، پیش‌بینی کرده‌اند که در سال ۲۰۲۵ نزدیک ۲۰۰ میلیارد دلار برجام چین و هند جست‌وجو کرد. در این‌باره اتفاق دومی که می‌افتد به احیای جاده ابریشم مربوط است؛ بالغ بر ۶۵ کشور، اتاق بازرگانی جاده ابریشم را تشکیل داده‌اند و مشغول احیای آن هستند. حال در این قضیه ایران از نظر موقعیت چه جایگاهی دارد؟ ایران یک موقعیت بی‌نظیر دارد.

۴ نوع روابط سیاسی همان‌طور که شما به آن اشاره داشتید، بر تجارت خارجی تأثیرگذار است؛ ولی مشکلی که در ایران و به‌ویژه بعد از برجام به چشم می‌آید، به نوع نگاه امنیتی گروه‌ها و نهادهای خاصی است که مانع از شکل‌گیری روابط تجاری بعد از برجام می‌شود. نظر شما در این‌باره چیست؟ موضوع اصلی باید توجه به منفعت کشور باشد. به نظر من آنجایی که منافع کشور حکم می‌کند، این نگاه باید خیلی محکم و دقیق و بویا باشد. ما در مرادبه با کشورها باید موضوع منفعت ملی را مورد توجه قرار دهیم و اتفاقا بر آن مبنا خیلی محکم حرکت کنیم. درحال‌حاضر بحث اول و اولویت اصلی ما، سرمایه‌گذاری مشترک است که ایران زمینه‌های بسیار متنوع و بالایی دارد. درباره همان بازار ۴۰۰ میلیونی که به آن اشاره شد، صحبت ما در قبال برخی کشورها این است که ابتدا در ایران سرمایه‌گذاری مشترک کنید و سپس بارانازد تأمین اقتصاد منطقه باشید. وقتی محاسبات اقتصادی هم صورت می‌گیرد، همین کشورها درمی‌یابند که ایران بهترین نقطه برای این قضیه است. در بحث همکاری‌های ترانزیتی درحال‌حاضر در بندر چابهار، رقابتی بین چین و هند در حال شکل‌گرفتن است. البته در هیئت‌های اقتصادی همیشه این بحث وجود دارد که تجارت یک امر دوطرفه است و فقط نمی‌توانند وجود داشته باشد و ما از پس مسئله حضور هیئت‌های اقتصادی مختلف به دنبال افزایش بحث سرمایه‌گذاری مشترک در ایران هستیم که در آینده نزدیک این رخداد می‌تواند به وقوع بپیوندد.

۴ میحث دیگر درباره تجارت خارجی به مسئله نظام بانکی بازمی‌گردد که در تجارت خارجی به‌گونه‌ای حرف اول را می‌زند؛ تاآنجاکه نظام بانکداری یک کشور اگر با کشورهای دیگر در ارتباط نباشد، یقینا روابط تجاری‌اش نیز بی‌فرجام خواهد بود. در این حیطه، بعد از برجام تا چه میزان توانسته‌ایم آب رفته را به جوی بازگردانیم؟ در این زمینه باید بگویم که شخصا در هیئت‌های اقتصادی حضور داشته‌ام و درباره قضیه بانک‌ها خیلی تلاش شده. درحال‌حاضر با بسیاری از کشورها مخصوصا با بانک‌های کوچک، کارمان را انجام می‌دهیم. بانک‌های بزرگ برای اینکه در گذشته از سوی آمریکایی‌ها تهدیداتی داشته‌اند، قضیه نوع مرادات برایشان بسیار مهم است. به‌همین‌دلیل احتیاط را در دستور کار دارند. درحال‌حاضر تعداد بسیاری از بانک‌ها با ما فعالیت دارند. در برخی موارد مذاکرات و گفت‌وگوهای خوبی از سوی بانک مرکزی صورت گرفته است که با برخی از کشورها با پول محلی مبادلات کالا داشته باشیم و از طریق اعتباراتی که بانک‌های مرکزی کشورها به یکدیگر می‌دهند و هر سه ماه هم تسویه حساب صورت می‌گیرد، امکان خوبی برای تجار فراهم می‌شود که بتوانند از نظر مبادلات پولی و کالایی این مشکلات را حل کنند. میزان همکاری این بانک‌ها در زمان سیاست‌تحریم به صورت چشمگیری افزایش یافته است.

۴ امروزه مسئله جهانی‌شدن و عضویت در سازمان تجارت جهانی از مباحث بسیار مهم در تجارت خارجی کشورها محسوب می‌شود. با تحریم‌ها از این

بله همین‌طور است. حین اشارات شما به نتایج برجام، مسئله‌ای به ذهنم رسید که جا دارد این موضوع را طرح کنم. چندی پیش با یکی از معاونان وزارت خارجه ویتنام یا اندونزی (دقیقا خاطرم نیست) هم‌صحبت شدیم. در ملاقات خصوصی به من گفت زمانی که قصد سفر به ایران را داشتم همکارانم خطاب به من می‌گفتند مگر دیوانه‌ای که می‌خواهی به ایران سفر کنی؟ از جانت سیر شده‌ای؟ این مقام سیاسی بعد از اینکه دو روز در ایران بود با خانواده‌اش تماس گرفته بود که اولین تعطیلاتمان را باید به تهران بباییم. این تفاوت آنچه که «می‌بینند» است با آنچه که «می‌شنوند». از ایران تصوارتی داشته‌اند که با آمدن